

## شب قدر یک

قرار شد چند جلسه‌ای درباره‌ی شب‌های قدر و خصوصیات شب قدر صحبت کنیم و این چند جلسه، درباره‌ی شب قدر صحبت می‌کنیم ان شاء الله. سر صحبت درباره‌ی شب قدر هم به این دلیل که در روایاتی، حالا روایاتش را هم می‌آورم، در روایاتی داریم که اول سال است. برخی از روایات گفته‌اند اول سال، ماه مبارک رمضان است. برخی از روایات گفته‌اند اول سال، شب قدر است. این سؤال، از شب قدر شروع می‌شود به عبارتی. نکته‌ی مهمی که وجود دارد، این است که باید شامه مان را تمیز کنیم برای پیدا کردن شب قدر. حتی به عنوان علائم یک بحثی در فضای سلوکی، عرفانی و این‌ها هم در قرآن و هم در روایات، این معنا را داریم که مثلاً در آیات، این را داریم که «يَجِدُ اللَّهُ عُقُورًا رَّحِيمًا»، «لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا». من این را بارها عرض کرده‌ام که این‌گونه نکنید که بگویید ما توبه کرده‌ایم، لابد خدا بخشیده است. نه. بخشش و طهارت، چیزی است که انسان متوجه می‌شود. اگر متوجه نشدید، یعنی نشده است. اگر انسان متوجه طهارت نشود، یعنی طهارت ایجاد نشده است.

## لزومی تیزی شامه در شب قدر

ما الان از بهشت زهرا آمده‌ایم. به صورت واضح، حتی خانم هم گفت، در قطعه‌ی شهدا فرق دارد با قطعه‌ی اموات. شما متوجه می‌شوید قطعه‌ی شهداست که به صورتیکه چشم آدم را بگیرند و آدم برود، می‌فهمد قطعه‌ی شهداست و آن‌جا، آن خوبی که دارد می‌فهمید قطعه‌ی اموات است. قطعه‌ی شهدا، قشنگ مشخص است این‌جا قطعه‌ی شهداست. می‌خواهم بگویم بینی سلوکی، چشم سلوکی، و این‌ها را. خود قرآن انتظار دارد. «لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا»، «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» و بعد، در روایات ما، این معنا درباره‌ی شب قدر و این‌ها آمده است. مثلاً شما نگاه کنید در کافی آمده است به عنوان علائم شب قدر است. «سالته عن علامة ليلة القدر» محمد بن مسلم می‌گوید از امام باقر یا امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم از علامت لیلۃ القدر. «فقال: علامتها ان يطيب ريحها» علامت لیلۃ القدر، علامتی است که بوی خوش می‌آید در لیلۃ القدر و ان کانت فی برد دفتت، و ان کانت فی حر بردت فطابت. «اگر در حقیقت سرما باشد، هوای معتدل گرم ایجاد می‌شود. اگر در گرما باشد، هوای معتدل خنک می‌آید.

این را حتی من در این بحث‌های حافظ و مولانا و روایاتش هم برایتان خوانده‌ام که دارد که خلاصه یک خنکایی در بین الطلوعین و قبل از اذان و این‌ها، یک هوای خیلی لطیفی ایجاد می‌شود و این لطافت یک لطافتی است که باعث می‌شود این مرغ‌ها و این‌ها بخوانند و خروس‌ها بخوانند و این‌ها و یک هوای خیلی فوق‌العاده‌ای و هوای خنک دلنشینی که قبل از اذان ایجاد می‌شود. این‌ها چیزهایی است که انسان باید بفهمد، بو بکشد، بفهمد، فرقی را بو بکشد. همان‌طور که شما دیده‌اید، آدمی در مجلس وعظ، در مجلس امام حسین (علیه السلام) می‌رود چه سبکی ای را (تجربه می‌کند). حالا شما فرض بفرمایید در مجلس حالا نمی‌گویم لزوماً گناه، حتی من به کنسرت علیرضا قربانی رفته بودم حالا به زور آدم می‌فهمد این مجلس، مجلس دیگری است. این مجلس، دیگری است. خیلی سنگین است اصلاً این مجالس. یک خنک‌ای در مجالس امام حسین (علیه السلام) هست، در مجلس وعظ هست، در این‌ها هست در مجالس قرآن هست. (ولی در آن مجلس) کاملاً حس سنگینی را آدم حس می‌کند. لذا خلاصه، مراقبت‌های این‌گونه‌ای باید کرد که زکام نشود بینی انسان برای فهم لیلۃ القدر و بالآخره اتفاقاتی که در سماء دنیا دارد می‌افتد و حتی دارد این نزول قرآن اتفاق می‌افتد. خلاصه، مثل این ورزشکار المپیک دیگر. تمام زحمتی که کشیده‌اند، برای همان خلاصه، یک صبح تا بعدازظهر است. این‌هایی که دارند مسابقه‌ی اصلی المپیک را می‌دهند، تمام زحمتی که کشیده‌اند به همان مسابقه‌ی اصلی (مربوط است).

حالا به هر جهت، این المپیک قضیه در سلوک و در بالا رفتن و «حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» و بالآخره معادل یک عمر می‌تواند انسان را جلو ببرد. این حرف مهمی است که وقتی می‌گویند این شب، شبی است که معادل یک چیز است، معادل یک عمر می‌تواند انسان را جلو ببرد. این شب چنین پتانسیلی دارد. حالا ما استفاده می‌کنیم یا ما استفاده نمی‌کنیم یا کسانی در عالم استفاده می‌کنند یا اساساً ماه رمضان می‌آید و می‌رود و بالآخره شما سر این سفره‌ی میهمانی خدا (هستید) بعضی‌هایمان غافلانه غافلانه معلوم است که خلاصه سر میهمانی نیامده‌ایم. در، باز بوده است. میهمانی بوده است، منتها نیامده‌ایم. حالا اینکه چه چیزهایی، مثل صله‌ی رحم یا هر چیز دیگری، انسان را کمی بازمی‌دارد بسته به نوع موقعیت دارد. مثلاً شعلی بوده است. کسی از آدم سؤال کرده است حاج آقا، من شغلم سانسور است. گفتم خب، دغدغه‌ی سلوک داری؟ گفت آری. گفتم خب، شغلت را عوض کن؛ یعنی می‌گفتی من باید بنشینم، فیلم صدا و سیما را ببینم، صحنه‌های بدش را حذف کنم. خب، طبیعتاً باید صحنه ببینم. گفتم خب، این که خب، من انجام نداده‌ام، چون دیگری انجام داده است. حالا کسی دغدغه‌ی سلوک ندارد. خب، بالآخره این هم وظیفه‌ای است باید بنشیند، این کار را انجام بدهد. حالا چه کسی گفته است همه‌ی کارهای دنیا را من باید بروم انجام بدهم؟ بله، همین‌گونه است. بله. برخی از مکان‌ها، مشاغل اینها مشاغل خوبی

نیستند. مثلاً ما داریم مثلاً قصابی نه ولی سلاخی جزو مشاغل مکروه است. قصابی به معنای گوشت‌فروشی نه، ولی سلاخی کردن؛ یعنی ازهراق روح کردن. حالا کسان زیادی باشند که این کار را انجام بدهند، ولی کسی که هی دارد ازهراق روح می‌کند و دارد از بین می‌برد، این کار خوبی نیست به عنوان شغل. این شغل خوبی نیست. حالا عده‌ای باید این کار را انجام بدهند. باید انجام بدهند. حالا این کار را لزوماً من باید انجام بدهم؟ من باید سانسور کنم؟ من باید این کار را انجام بدهم؟

کارهایی هم هست که باید انجام شود. مثلاً صله رحم، صله‌ی رحم اگر می‌خواهد انجام شود، قواعدی دارد باید آدم را بهم نریزد. می‌تواند صله‌ی رحم به مدل‌های متعددی باشد. همه را آدم در یک مجلسی ببیند با همدیگر یا تلفن بزند، چه کار کند. بالاخره آدم «قَوَّأ أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ» من در برنامه محفل هم عرض کردم که آقا، در این مسئله، ایثار نداریم. تنها مسئله‌ای که در آن ایثار نمی‌کنند، مسئله‌ی هدایت است که اول خودت باید بیایی. اگر خودت نپایی بقیه را که نمیتوانی بیایی «قَوَّأ أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نارا». به هر جهت، می‌خواهم بگویم که انسان باید مراقبت کند، به خصوص این چند روز را. مراقبت جدی‌ای درباره‌ی اینکه چقدر بخورد، چه بخورد، غذاهای پیچیده نخورد، خودش را سنگین نکند و همه‌ی این‌ها، یک المپیک است دیگر. المپیک است. پنج شش روزی هم آدم به این قضیه اختصاص می‌دهد.

نکته‌ی دیگری هم که وجود دارد تا سر به اصل بحث برویم. پس شامه تان را تیز کنید. شما دیده‌اید آدم قرآن می‌خواند قشنگ مشخص است آدم قرآن می‌خواند. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا» آدم را نورانی می‌کند. بعد، این‌ها را هی توهّم نگیرید. نه بابا، نورانی نمی‌کند. ما الکی فکر میکنیم نورانی می‌کند. نه بابا نورانی می‌کند آدم را. قرآن، آدم را نورانی میکند. نور اگر آدم را نورانی بکند که این توهّمی نیست. اگر نکند، توهّمی است.

خود روز قدر هم می‌دانید که مهم است. حالا درست است که شب، یک شرافت خاصی دارد. در روایات ما داریم که روز قدر هم مهم است. یعنی آدم شبش را که گذراند روزش را هم حواسش باشد. شب که تمام می‌شود، دیگر ول میدهیم همه‌چیز را. آن روز هم روز مهمی است. می‌گویم، مانند المپیک می‌ماند که به هر جهت، چه در بازی، چه در فواصل این بازی، حالا سر پوشیده بودنش به شما می‌گویم. چیست اگر معلوم نیست کی است. ولی بالاخره در فواصل، مثلاً بعضی المپیکها مسابقاتشان مثلاً چندین روز طول میکشد. بالاخره این نیست که فقط در مسابقه حواسش هست که، باید بالاخره در این فاصله هم حواسش را جمع کند. فاصله‌ی مسابقه دادن.

## امام زمان مقصد نزول کتاب مبین

ببینید، یک نکته‌ای که در خود سوره‌ی مبارکه (وجود دارد) به اصل بحث برویم. البته اینها هم اصل بحث است. یک نکته‌ای که در سوره‌ی مبارکه‌ی قدر هست، خیلی نکته‌ی قابل دقتی است که این را اگر کنار سوره‌ی مبارکه‌ی دخان بگذارید، سوره‌ی مبارکه‌ی دخان را بیاورید. در سوره‌ی مبارکه‌ی دخان آمده است ضمیر به چه چیزی برمی‌گردد. در سوره‌ی مبارکه‌ی قدر (مرجع ضمیر) نیامده است «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ». در سوره‌ی مبارکه‌ی دخان، چونکه به صراحت آمده است که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* حم \* وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ \* إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» یعنی این کتاب مبین را نازلش میکنم آن موقع. «فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ \* إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ \* فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ كَرِيمٍ \* أَمْراً مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ» که حالا بعداً نکته اش را عرض خواهم کرد. ولی اجمالاً مشخص است که «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» دارد قرآن را از کتاب مبین می‌گوید که حالا بعداً توضیح می‌دهم.

الان می‌خواهم نکته‌ی دیگری را توضیح بدهم که یک قلقی را به دست بیاوریم. این کتاب مبین هم قرآن نیست. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» یعنی کتاب مبین را نازل کرده‌ایم نه قرآن را. کتاب مبین دارد نازل می‌شود به عبارتی. نکته‌ی مهم این بحث، این است که «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» که روح، اعظم از ملائکه است، «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» این تنزل فعلش تنزل است دیگر، یعنی فعل مضارع دارد. این نکته‌ی اصلی این است که در هر سال، این اتفاق می‌افتد. یک دور، کتاب مبین دارد نازل می‌شود. خوب، اگر این حقیقت دارد نازل می‌شود و می‌آید پایین، در قلبی می‌افتد که بتواند آن را تحمل کند. طبیعتاً به چه کسی نازل می‌شود؟ به عبارتی گفته‌اند شما به مقامات ما به سوره‌ی مبارکه‌ی قدر استدلال کنید. با اینکه هیچ ولی و ولایتی ندارد. چرا؟ چونکه قرآن، این حقیقت همه اش که می‌خواهد نازل شود، به قلب پیامبر نازل می‌شده است، الان باید به قلب کسی نازل شود که وارث پیامبر است و این قلب، قلب حضرت حجت است. یعنی به عبارتی، اساساً شب قدر، شب حضرت حجت است. بقیه ریزه خوار و کنار سفره‌ای و از این ترشحات و از این چیزها استفاده می‌کنند. از این ترشحاتش بیشتر دارند استفاده می‌کنند وگرنه اساساً شب قدر، شبی است که ذاتاً برای ما نیست. شبی که ذاتاً برای حضرت است.

حالا بحثی وجود دارد. من این بحث را بعداً عرض می‌کنم. در روایات ما هم هست این معنی. در تفسیر قمی، این بحث هست که «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَرُوحُ الْقُدُسِ عَلَيَّ امَّامِ الزَّمَانِ» در حقیقت، ملائکه و روح القدس به امام زمان (عج) نازل می‌شوند. «و يدفعون إليه ما قد كتبه من هذه الأمور» هرچه نوشته شده است دفع میشود به سمت امام زمان (عج). از همه‌ی مقدرات

دفع میشود به سمت حضرت و هرچه قدر، فعلاً همین مقدار بحث را جمع و جور کنیم. هرچه قدر ببینید، نسبت کسی پیدا میکند با حضرت حجت بالوراثه شب قدر برای او اتفاق می افتد. شب قدر وقتی که قرآن نازل می شود، مثل یک موجی است که دارد میگیرد. هر تنزلش با تنزل قبلی فرق دارد. تنزل هر سال، یک شخص را در حقیقت به اندازهی یک عمر «حَیْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ» جلو می اندازد. این مثل این می ماند که شما امتحان جامعی می دهید از کلاس فلان شما را می اندازد کلاس بهمان. دیگر در کلاس بعدی هستیید کلاً در سال بعد. این پتانسیل شب قدر است. به هر جهت، امام زمان (عج) هم رشد می کند؛ یعنی ایشان هم به واسطهی شب قدر و اینها رشد می کند. همانطور که در روایات هست اگر شب جمعه در هفته به امام زمان (عج) نگذرد، علمشان کم می شود. بله، متن قرآن همان است. شما ببینید به خاطر اینکه سطوح مختلف دارد قرآن.

(جواب سوالات) هر سال با سال قبل فرق می کند. حالا اینها را توضیح می دهیم. ببینید، حالا این چیزهایی که شب قدر چگونه توجیه می شود مسئلهی اختلاف ساعت. شما مثلاً اختلاف ساعت فضایل نماز صبح، چگونه اختلاف ساعت را توجیه می کنید؟ یعنی هرجایی اینها، حقیقتی برتر از زمان هستند که با زمان، نسبت برقرار می کنند وگرنه بحث روح، ملک جبرئیل و اینها که مجردات تام هستند. اینها که مادی نیستند که بتواند زمان برینها بگذرد. حالا یک سری بحثهای فلسفی ای اینجا دارد که خیلی جدی و قابل طرح الان هم نیست؛ یعنی آدم خودش باید مطرح شود. ولی الان، نماز صبح وقتی که در کل کره دارد نماز صبح می شود، چگونه نماز صبح می شود؟ خوب، با اینکه نماز صبح، فضیلتی تجردی است، فضیلتی مادی نیست. ولی همین جوری که روی کره دارد می چرخد، نماز صبح دارد فضایلش به همه جا می رسد. بله؛ یعنی این تنزل در کل کره دارد انجام می شود. چون به زمان مربوط است، ولی زمانی نیست. همانطور که من گفتم نامفس ناطقه تجردی است، ولی در قالب ماده و زمان، خودش را نشان می دهد.

حالا اینها را عرض می کنیم که به این دلیل که اساساً همین علم توارث پیدا می کند «العلم یتوارث» هرچه قدر مناسبت با امام زمان (عج) پیدا شود، بهره مندی از شب قدر بیشتر می شود. هر مقداری که مناسبت با حضرت بیشتر شود، چون ایشان سفره دار هستند. ایشان مهمانند. چگونه نسبت خود را با امام زمان (عج) تقویت کنید؟ ببینید، قرآن به کسی نازل می شود. سورهی مبارکهی کهف را بیاورید. شما سورهی مبارکهی کهف را ببینید. آیهی یکش را. اولاً فکر کردن دربارهی امام زمان (عج) و ولایت امام زمان (عج) و اینها خودش برای خودش معنا دارد. یعنی برای خودش اینها معنا دارد که آدم بنشیند، دربارهی امام زمان (عج) فکر کند و حواسش را در این شب به امام زمان (عج) بدهد که بالاخره «يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خُطِيئِينَ». بالاخره ای پدر حواستان به ما هم باشد. سر سفرهی شما هستیید، ولی تکخوری هم (شایسته شما نیست). شما ای امام، آدمهای بد ما فرزندان شما هستیم «يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خُطِيئِينَ» ما خاطئیم. حتماً این پدر خواهد گفت «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» بالاخره آدم حواسش به پدرش هم باشد. ببینید، اصلاً قرآن به کسی نازل می شود؟ به هر که عبدتر باشد، قرآن نازل می شود. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ». ببینید، آن موقع، هرچه قدر عبدتر باشد، مقداری قرآن برایش نازل می شود.

## معنای عبد شدن، مشارکت در هدف نبی

حتی برای تدبر در قرآن، ببینید، دو آیه داریم برای تدبر. یکی دارد انسجام را نشان می دهد. سورهی نساء «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا». گاهی هست نه، در سورهی مبارکهی محمد هست، آنجا دارد این بعد تدبر را می گوید که مانند الهامات رحمانی و شیطانی است «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»، «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا». اگر چه بود، اختلاف کثیر ایجاد می شد. این، مال بحث انسجام است. یک بحث این است که الهاماتی وجود دارد در تدبر. یعنی کسانی که می خواهند حتی قرآن را بفهمند، باید شرایطی را طی کنند برای اینکه قرآن به آنها نازل شود یک جورایی. قفل این به دلشان مرتبط است «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» ببینید، بعدش «إِنَّ الَّذِيْنَ أَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ». یعنی کسانی که به حقیقت پشت می کنند، بعد از اینکه «تَبَيَّنَ»، «الشَّيْطٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ» و این دل قفل می شود. چون دل قفل می شود، نمی تواند تدبر کند.

که حالا یکی از معانی ای که اتفاقاً در حضور این پدر باید گفت «يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا» ببینید، من قبلاً هم گفتم ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، معنایش یعنی پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)؟ یعنی من الان ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پذیرفتم کار کردم؟ دقیقاً حضور ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زندگی من کجاست؟ آیا در صرف تکتف و عدم تکتف و این دو حکم فقهی است یا نه؟ پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) الان یعنی پذیرش آن اهداف و جلو بردن آن اهداف. ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) هیچ فرضی جز تقویت حکومت اسلامی ندارد. خوب، اگر کسی می خواهد با امام زمان (عج) نسبت پیدا کند، امام زمان (عج) امام آن «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ» است. فقط این نیست که درک حضور پیدا کند که درک حضور هم مهم است. آن مهم است که؛ یعنی زندگی اش را به این ببندد که می خواهد اهداف امام زمان (عج) را جلو ببرد. آن کار را، در آن زمین توپ بزند به عبارتی. کسی که اینگونه فکر می کند و بنا را بر این می گذارد که در این مسیر گام بردارد، او نسبت بیشتری با امام زمان (عج) پیدا می کند و اساساً

عبد شدن را. ببینید این را من در در سوره‌ی مبارکه‌ی نحل ذیل آیه «أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَأَجْتَنِبُوا الظُّغُوتَ» مفصلاً صحبت کردم. عبد محض شدن در دهان طاغوت زدن هم دارد در آن. بعضی‌ها فکر می‌کنند عبد محض شدن یعنی یکف الله باز تام. نه عبد محض شدن یعنی اینکه در هدف پیامبری مشارکت کنی که می‌خواهد بزند در دهان طاغوت.

لذا نسبت گرفتن با امام زمان (عج) این‌گونه نیست که حالا حالتی صرفاً پدری. نه بحث پدری است که مبعوث شده است برای اینکه یک اتفاقی را در عالم رقم بزند و انسان دارد که بالاخره کسانی که «يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا» آنها هم «يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ الظُّغُوتِ». بالاخره ممکن است کسی را داریم از این طرف گریه می‌کند از آن طرف «يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ الظُّغُوتِ» است یعنی در راه طاغوت دارد می‌جنگد. این‌ها هم بالاخره نسبتگیری نیست. ببینید، آن امام، کارش چیست؟ و قرآن چیست؟ کتاب چیست؟ قرآن، کتاب دعا که نیست. این قرآن چیست؟ من می‌خواهم نسبت بگیرم با این و موجه این مدلی تنظیم شود. آن موقع، اگر این کار را بکنم، هی دارم نسبت برقرار می‌کنم با حضرت. درک حضور او و همه‌ی این‌ها. نسبتی است که با حضرت دارد برقرار می‌شود و این عبودیت تام است. عبودیت و عبودیت تام عملاً در مرام حاج قاسم سلیمانی اتفاق می‌افتد. این را بدانید. کسانی که دارند تمام تلاششان را می‌کنند و جهادشان را می‌کنند، این‌ها برای این است که آن راه را باز کنند، راه امام زمان (عج) را باز کنند و این کار را بکنند.

می‌گویم هیچ تصویر دیگری از پذیرش ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ولایت امام زمان (عج) (وجود ندارد.) ولایت امام زمان (عج) یعنی امام زمان (عج) را دوست دارم الان؟ اینکه خیلی دشمنان هم این‌ها را دوست داشتند. این دوست داشتن، صرفاً که نیست. که من این را مفصل بحث کردم درباره ولاها و ارتباطاتی که ولاها نسبت به همدیگر دارند. خب، خلاصه، ببینید، پس اگر این را بفهمیم که اصل سفره‌داری، مال ایشان است و اصلاً اصل بحث شب قدر، ایشان هستند و به تناسب به ما هم نازل می‌شود. حالا توضیحش باشد. زمانی دیگر، توضیحش را بیشتر عرض خواهیم کرد. خلاصه، ارتباط با امام زمان (عج)، یکی از قلقها و کلیدهای جدی است که می‌توانید از الان هی این معنی را، درک حضور حضرت را و تقاضای اینکه ما با یک وراثتی به این ذریه (برسیم) و یک وراثتی به ما برسد. این معانی و الهامات و قرآن به ما هم ترشحاتش باید نازل شود. حالا اگر بالاتر باشیم، بیشتر ترشحاتش نازل می‌شود و البته با آن فشاری که به حضرت نازل می‌شود، نازل نمی‌شود، ولی هرچه قدر نسبتاً بیشتر برقرار شود، علم به صورت وراثتی و تدبیر جایش باز می‌شود.

خیلی‌ها از من می‌پرسند که تأمل در قرآن و تدبیر در قرآن، یکی از بحث‌های جدی، تدبیر در قرآن است که به شما الهام شود قرآن و این به در حقیقت، قفل روی دل یا عدم قفل در دل (ربط دارد). حالا ببینید. حالا بعداً عرض می‌کنم که تلاش می‌کنید گناهان را صفر کنیم این‌ها را بکنیم، این کارها را، ولی آخرش حس اینکه من صفر کردم و آمدم (خوب نیست). «وفدت علی الکریم بغیر زاد\* من الحسنات و القلب السلیم» ببینید انسان بر کریم اینطور وارد نمی‌شود «و حمل الزاد اقبح کل شیء\* اذا كان الوفود علی الکریم» بالاخره ما می‌خواهیم بر کریم وارد شویم. بر کریم انسان، دست خالی بهتر است؛ یعنی نشان بدهد که من دستم خالی است. خیلی بخواهید، زیاد بخواهید، ولی اینکه چیزی ببریم که ببریم، بگوییم ما این کار را کرده‌ایم، چه کار کرده‌ایم؟ چه کار کرده‌ایم که ببریم؟ ( «وفدت علی الکریم بغیر زاد\* من الحسنات و القلب السلیم» . حالا ان شاء الله که این‌گونه نشود. ببخشید، کمی طولانی شد. دیگر باید برویم سحری بخوریم. ساعت ده، این بحث را ادامه می‌دهیم.